
حقوق شهروندی و رضایت از زندگی میان زنان شاغل در شهرداری منطقه ۱۲

مریم راهش خو^۱

چکیده

مفهوم شهروندی از جمله مفاهیمی است که از دیر باز تا کنون در جوامع توسعه یافته بسیار پررنگ بوده است و در سالهای پیشین این مفهوم به جوامع در حال توسعه نیز مهاجرت کرده و در میان آن جوامع نیز رواج گسترده ای یافته است و اقشار گوناگون اعم از روشنفکران، کارگزاران، مسئولین و حتی عامه مردم را به سوی خود جلب کرده است. بنابراین در این پژوهش محقق سعی بر آن داشته تا رابطه بین حقوق شهروندی و ابعاد گوناگون آن اعم از حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی را با رضایت از زندگی در میان زنان شاغل در شهرداری منطقه ۱۲ تهران دریابد و برای این امر از نظریات اندیشمندانی همچون ژان ژاک روسو، میلر، توکویل، زیمل، هابس و جان لاک راهنمایی جسته است. روش مورد پژوهش کمی از نوع پیمایش بوده که با تکیه بر مطالعه اسنادی و کتابخانه ای از ابزار پرسشنامه استفاده کرده است.

یافته های حاصل از پژوهش فوق نشان داد که بین حقوق شهروندی و رضایت از زندگی به طور کلی رابطه وجود دارد و این رابطه برای ابعاد دیگر حقوق شهروندی اعم از حقوق مدنی و سیاسی نیز تایید شد لیکن برای حقوق اجتماعی مورد تایید قرار نگرفت.

نتایج حاکی از آن هستند که هر چقدر به شاخصه های حقوق شهروندی بها داده شود رضایت از زندگی شهروندان نیز تغییر می کند. امروز توجه به حقوق شهروندی نشان دهنده شهروندان و مسئولین متعددی است که می توانند جامعه ای پویا سالم داشته باشند جامعه ای که افراد به جایگاه واقعی خود واقف می شوند و می توانند از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی بهتری بهره مند گردند. هر چه مسئولین و کارگزاران از توجه به حقوق شهروندی در جامعه دور بمانند؛ آن جامعه حرکتی بسیار بطئی و کند را برای رسیده به توسعه و پیشرفت طی خواهد کرد.

واژه گان کلیدی: حقوق شهروندی. حقوق مدنی. حقوق اجتماعی. حقوق سیاسی. رضایت از زندگی

^۱ کارشناس ارشد مطالعات زنان

مقدمه

مفهوم شهروندی از جمله مفاهیمی است که از دیر باز تا کنون در جوامع توسعه یافته بسیار پررنگ بوده است و در سالهای پیشین این مفهوم به جوامع در حال توسعه نیز مهاجرت کرده و در میان آن جوامع نیز رواج گسترده ای یافته است و اقشار گوناگون اعم از روشنفکران، کارگزاران، مسئولین و حتی عامه مردم را به سوی خود جلب کرده است.

به طوریکه امروزه رعایت حقوق شهروندی یکی از پایه های استحکام هر حکومتی است. هر شهروندی در مقابل دولت و مجلس قانونگذاری کشورش حقی دارد که باید به طور کامل برآورده شود تا فرد در ساختار اجتماعی و سیاسی کشورش احساس امنیت و آرامش کند (اسکافی، ۱۳۸۶: ۴).

در واقع می توان گفت: مفهوم شهروندی به منزله مفهومی رایج و به دلیل ارتباط جدی اش با مسایل اجتماعی و سیاسی موجود در جوامع مختلف ارتباطی، مورد مباحثه قرار گرفته است. این مفهوم به منزله ایده ای ذاتا ارتباطی، از آنجا که تعامل، همکاری، وظایف و تعهدات متقابل میان افراد در زندگی اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد، از جذابیتی فوق العده در میان پژوهشگران اجتماعی برخوردار است (نظری، ۱۳۹۹: ۱۲).

اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد (ماده ۱۵-۱) حق شهروندی (تابعیت) را به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر قلمداد کرده است که حفاظت از دیگر حقوق منوط به آن است (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۸).

اصطلاح حقوق بشر نخستین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروند در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ در فرانسه به کار رفت. آنچه امروز تحت عنوان حقوق بشر مطرح می باشد اصول، قواعد و مفاهیمی است که مبانی نزدیک آن، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه و اندیشه متفکران سازنده آن اعلامیه، یعنی فیلسوفان قرن هجدهم اروپا چون ژان ژاک روسو، مونتسکیو و دیدرو است و در اعلامیه حقوق بشر دو میثاقی که به نام منشور حقوق بشر نامیده می شوند، منعکس است (مهرپور، ۱۳۷۷: ۳۰۴-۳۰۳).

در این میان آن بخش از حقوق شهروندی که مربوط به حوزه زنان می شود، گاه مورد بی توجهی قرار گرفته است. به طوریکه این غفلت منجر به آن گردیده که بسیاری از زنان از حقوق اولیه خود واقف نباشند و مورد بی رحمی ها و ظلمهایی قرار گیرند که می توان با ارتقاء آگاهی آنان و احقاق آن حقوق از ناملایمات وارده بر آنها کاست. این مقاله سعی بر آن دارد تا با طرح

موضوع حقوق شهروندی و رضایت از زندگی زنان به اهمیت این مساله بپردازد تا شاید بتوان با ارائه پیشنهادات سازنده کمکه‌های ارزشمندی در این زمینه نمود.

بیان مسئله

واژه شهروندی در ادبیات ایران واژه‌های تازه و نو است. به طوری که حتی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ عمید و معین مطرح نشده است. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی که کلمه "شهروندی" را در خود جای داده است "فرهنگ فارسی امروز" است. در این فرهنگ کلمه "شهروند" چنین تعریف شده است: "کسی که اهل یک شهر یا کشور بوده و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد" در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این کلمه از کلمه رعیت و رعایا استفاده می‌شد (اسماعیلی ۱۰۶: ۱۳۸۰). انقلاب مشروطه آغاز تغییر زن ایرانی برای رسیدن به حقوق خویش بود که تا آن زمان کم اهمیت و نادیده انگاشته می‌شد.

اما به رغم شکل‌گیری روند آگاهی نسبی در زنان، به دلیل فراهم نبودن شرایط و زمینه لازم، زنان امکان طرح خواسته‌ها و مطالبات خویش را تا دهه ۱۳۲۰ هجری شمسی نیافتند. تنها هنگامی که در پایان حکومت پهلوی اول، فضای باز آزادی و دموکراسی نسبی برای جامعه ایرانی فراهم آمد، زنان نیز امکان طرح خواسته‌هایشان را پیدا کردند و توانستند در قالب تشکل‌های ویژه زنان ساماندهی کنند (لرستانی، ۱۱۵: ۱۳۸۲).

لیکن این روند با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بود. به طوریکه در ملاحظات شفاهی که با زنان انجام می‌شود گاه ندانستن آگاهی به وضوح در بین بخش اعظمی از آنان مشهود است و از دیدگاه محقق اینگونه به نظر می‌رسد که واقف نبودن به حقوق شهروندی می‌تواند درمیزان رضایت از زندگی زنان تاثیرگذار باشد و بین این دو رابطه تنگاتنگی وجود دارد. چراکه شاخص‌های رضایت از زندگی اعم: از رسیدن به خواسته‌ها، شرایط مطلوب زندگی، تناسب زندگی با علایق و داشتن امنیت از جمله مولفه‌هایی هستند که در مباحث مربوط به حقوق شهروندی و بخش‌های گوناگون آن محفوظ شده است.

لذا محقق به دنبال این موضوع است که: آیا بین مولفه‌های حقوق شهروندی و رضایت از زندگی زنان رابطه وجود دارد؟

اهداف پژوهش

- شناسایی رابطه بین ابعاد حقوق شهروندی و رضایت از زندگی زنان (نمونه موردی: شاغلین زن شهرداری منطقه ۱۲).
- شناسایی رابطه بین ابعاد مدنی حقوق شهروندی و رضایت از زندگی زنان (نمونه موردی: شاغلین زن شهرداری منطقه ۱۲).
- شناسایی رابطه ابعاد اجتماعی حقوق شهروندی و رضایت از زندگی زنان (نمونه موردی: شاغلین زن شهرداری منطقه ۱۲).
- شناسایی رابطه ابعاد سیاسی حقوق شهروندی و رضایت از زندگی زنان (نمونه موردی: شاغلین زن شهرداری منطقه ۱۲).

چهارچوب نظری

حقوق شهروندی در دوران قرون وسطی با رشد کندی مواجه شد، اما در دوران رنسانس ازسوی اندیشمندان زیادی مورد توجه قرار گرفت. در قرن شانزدهم، نیکولو ماکیاول برداشتی خاص ازسیاست را در قالب جمهوری مطرح کرد. مطابق نظری، نیروها و توانایی های بالقوه انسان در صورتی امکان ظهور می یابند که یک فرد، شهروند اجتماع سیاسی مستقل باشد. ماکیاول شرط مورد انتظار از شهروند را عمل به "فضیلت مدنی" می دانست که برای بقای فرد و حیات جمهوری ضروری بود. عناصر اصلی عمل به فضیلت مدنی را آموزش، به ویژه در بعد نظامی و "مذهب مدنی" قلمداد می کرد (شیانی، ۱۳۸۱ الف: ۶۲).

تامس هابز حقوق شهروندی را شامل حق طغیان، حق اعمال نظر، حق انتخاب وکیل و نماینده و حق آزادی بیان می داند و معتقد است مادامی که شهروندان از این حقوق برخوردار نشوند جامعه مدنی به معنای واقعی خود شکل نخواهد گرفت (شیانی و داوودندی، ۱۳۸۹: ۳۹). وی ویژگی اساسی حاکم و دولت وقت جامعه را "قدرت مطلقه" دانسته است. بر این اساس باید بیان کرد که اندیشه ی هابز پل ارتباطی مهمی در تاریخ تکامل فرهنگ شهروندی بود، چرا که بسیاری از ایده هایش مستقیماً به مفهوم توسعه یافته تری از شهروندی انجامید که در اندیشه لیبرال های کلاسیک نظیر جان لاک بروز یافت. سنت لیبرال که به وسیله هابز در بعد فرهنگ شهروندی بنا شد از سوی لاک توسعه یافت (کوشا، ۱۳۸۷: ۱۷).

ریشه اصلی دیدگاه لیبرال در زمینه شهروندی، در اندیشه های جان لاک است که درک متفاوتی از ارتباط میان حقوق طبیعی و قوانین موضوعه عرضه می کند. استدلال اصلی نظریه سیاسی لاک، تاکید بر وجود اقتدار حاکمیت برای حفاظت و اجرای قانون طبیعی به صورت بی طرفانه است. توسل لاک به مفهوم حقوق طبیعی به منزله مبنای قدرت سیاسی که در ارتباط با حقوق اخلاقی، نظم جهان شمول، نقش محوری اراده فردی و پذیرش حقوق مالکیت قرار دارد، اساس تصور او از شهروندی را پی می ریزد (نظری، همان: ۲۳).

واتز میلر نظریه پرداز سیاسی معاصر در جمع بندی که از نظریه شهروندی مدرن (اولیه) مبتنی بر آرا فلسفی سده های ۱۸-۱۹ به دست داده است، قائل به دو نوع الگوی تئوریک در این زمینه شده است. شهروندی جمهوری گرایی ماکیاول و شهروندی لیبرال مدنی و عرفی هابز و لاک: ۱- در شهروندی جمهوری گرایانه ماکیاول ضمن تایید مقوله حقوق و وظایف شهروندی، تاکید اصلی بر ضرورت مشارکت جدی و فعالانه افراد در زندگی سیاسی-اجتماعی است. این مشارکت با ایفای نقش شهروندی به عنوان عضویت تمام عیار در زندگی اجتماعی-سیاسی صورت می گیرد. ۲- در شهروندی لیبرال-مدنی-عرفی هابز و لاک، محوریت با حقوق و تکالیف شهروندی است. شهروند بودن به معنای برخورداری از حقوق مدنی (حق امنیت، آزادی، جان و دارایی، آزادی عقیده و بیان و حق رای دادن) و نیز مکلف بودن به اطاعت از قانون و رعایت حقوق سایر شهروندان است (ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۹: ۱۴).

اندیشمند دیگری که در تداوم اندیشه های حقوق شهروندی عصر رنسانس چهره درخشانی دارد، ژان ژاک روسو می باشد. در اندیشه وی، شهروند فردی مستقل و آزاد است که شایستگی مشارکت در تصمیم گیری ها را که همه باید تابع آن باشند، دارد. بنابراین، حکومت باید بر مبنای رای مردم قانونگذاری کند و نمایندگان بر اساس خواست مردم عمل کنند، این ها برای تضمین آزادی ضروری است. در مقابل، مردم هم باید از قانون اطاعت کرده و در امور مختلف مشارک کنند (شیانی، همان: ۶۳).

روسو با بیان تئوری قرارداد اجتماعی، نقش موثری در ایده ی حاکمیت های مردمی به عنوان ظرف اساسی حقوق شهروندی برداشته است. یکی از هدف های اصلی روسو در کتاب قرارداد اجتماعی این است که شهروند را از هرگونه وابستگی "خصوصی" یا "شخصی" محفوظ نگه دارد و نگذارد که کسی تحت سلطه اراده دیگری قرار بگیرد (روسو، ۱۳۸۴: ۱۱۶). از نظر روسو باید حقوق شهروندان، حقوق هیئت حاکمه و وظایفی که اولی ها به عنوان شهروند دارند

و باید انجام دهند و حق طبیعی که به عنوان انسان باید از آزادی آن برخوردار باشند، مشخص شود. در هر مورد که هیئت حاکمه درخواست کند، هر شهروند مکلف به انجام هر خدمتی است که توتنایی انجام آن را دارد، اما در هیئت حاکمه نیز به نوبه خود حق ندارد اتباع خود را مکلف به اجرای امری کند که از آن هیچگونه نفعی به جامعه نمی رسد، حتی نمی توان اجرای چنین امری را درخواست کند، زیرا نه خرد و نه قانون طبیعت بی سبب به امری حکم نمی کند (همان: ۱۷۷). شهروند حق ندارد در خصوص چگونگی خطری که قانون دستور می دهد خود را در معرض آن قرار دهد دآوری کند، وقتی هیئت حاکمه به او می گوید: مصالح کشور ایجاب می کند که تو بمیری، او باید بمیرد، زیرا در سایه این شرط بود که تا آن زمان در امنیت زندگی کرده بود و زندگی او هدیه طبیعت نیست، بلکه هدیه مشروطی است از جانب هیئت حاکمه است (همان: ۱۷۷). در مکتب سوداگرایی، دیدگاه جان استوارت میل در خصوص حقوق شهروندی حائز اهمیت است. استوارت میل به حمایت از حقوق زنان، آزادی، قانون انتخاب همگانی و غیره به عنوان اصولی از حقوق شهروندی می پردازد (ربانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۸۹).

از نظر الکسی دو تو کوپل، شهروند یک خود تقسیم شده است که میان انزوای خویش و اهدافی مشترک گرفتار آمده است (نظری، ۱۳۸۸: ۲۱). در نظریه تو کوپل، تاکید عمده بر فضیلت مدنی است. به عقیده وی غیر از حمایت قانون از شهروندی، جنبه دیگر شهروندی در فضای عمومی قرار دارد که حاکی از عضویت داوطلبانه فرد در گروههای خصوصی و غیر انتفاعی جامعه مدنی است، در حالی که داوطلب نشدن آنها نیز مجازاتی از سوی دولت ندارد. داوطلب شدن و فضیلت مدنی، عناصر اصلی جامعه مدنی در انتقادات دو تو کوپل از جامعه اواخر دهه اول قرن بیستم است (یوسفی و عظیمی، ۱۳۸۷: ۷).

کارل مارکس تاریخ جامعه بشری را بر اساس مبارزه طبقاتی توصیف می کند. این صاحب نظر با زیربنا قرار دادن ساختار اقتصادی چنین استدلال می کند که جامعه سرمایه داری باعث درماندگی و بدبختی بخش های وسیعی از جمعیت شده، بحث طبقه و مالکیت سرمایه محوری است و نمی تواند درخواست برای ارزشهای مشترک شهروندی را برآورده سازد. در حال که نابرابریهای میان سرمایه و کار حفظ شده و تضاد و مبارزه هنوز بخشی از شهروندی به حساب می آید. به زعم مارکس سرمایه داری ابتدا شرایطی را در دولت مدرن برای رشد شهروندی فراهم نمود، اما پس از آن، برابری غیر واقعی موقعیت شهروندی اجازه داد تا تقسیمات واقعی اقتصادی، اجتماعی پنهان شود. به بیان دیگر، شهروندی نقابی بر تقسیمات اقتصادی - اجتماعی

شد تا حجم وسیعی از افراد شهروند نامیده شوند، اما در عمل پرولتاریا باقی بمانند. مارکس بدبختی را مقدم بر تفکر دانسته و معتقد است با وجود نابرابری ها در جامعه نمی توان جایگاهی را برای شهروندی و مشارکت آزاد افراد یافت، ارزشهای مثبت شهروندی- برابری- فقط با الغای مالکیت و ریشه کنی نابرابری ها به منصف ظهور خواهد رسید. در فقدان باز سازی واقعی ساختارهای اقتصادی- اجتماعی جامعه نمی توان امید به تحقق شهروندی داشت (شیبانی، ب: ۱۳۸۱، ۵). از نظر مارکس، باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوق شان در جهت ایجاد جامعه ای بدون طبقه گام برداشت. طبقه کارگر با آگاهی از جایگاه خود با هم متحد شده و با انقلاب سوسیالیستی به سرنگونی نظام سرمایه داری به عنوان مانع احقاق حقوق شان می پردازند (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۷).

رالف دارندورف

از نظر این جامعه شناس که شهروندی را با محرومیت اجتماعی مورد توجه قرار داده، در حیات اجتماعی و واحد های اجتماعی موقعیت ها و نقش هایی وجود دارد که با مجموعه ی ارزش ها و هنجارها حقوق و تکالیف و ضمانت اجرایی آن ها مشخص می شود و در این جریان، سلسله مراتبی که از صاحبان و تابعان اقتدار در ساختار اجتماعی شکل می گیرد زمینه ساز تنش و تعارض و نا برابری است. دارندورف معتقد است که شهروندی پویا ترین ایده اجتماعی تاریخ مدرن است و ایده ی شهروندی به تمام مفاهیم مهم مدرنیته پیوند خورده است. سه عنصر نقش شهروند از نظر دارندورف عبارتند از: ۱- مجموع حق و حقوق برابر برای تمام کسانی که آن را دارا هستند گرچه موقعیت "حقوقی و شهروندی- برابری" دو چیز متفاوت هستند. ۲- در جوامعی که برخی شهروند و برخی نا شهروند هستند فرصت مشارکت در زندگی اجتماعی به اقلیت خاصی تعلق می گیرد ۳- ترکیب واژه شهروندی با ملیت در رابطه با نقش شهروند و گسترش اجتماع سیاسی فدراتر دولت دارای اشکال است (برگرفته از شیبانی و فاطمی نیا: ۱۳۸۸).

روش پژوهش

پیمایش، ابزار پرسشنامه به همراه مطالعه اسنادی متون علوم اجتماعی و حقوق و منشور حقوق شهروندی که این پرسشنامه در دو بخش تنظیم گردید.

بخش اول: رضایت زنان، پرسشنامه استاندارد (SWLS) برگرفته از الگوی مارشال سال ۱۹۹۲ دارای ۵ گویه در ۷ طیف.

بخش دوم: شناسایی مولفه های حقوق شهروندی ارائه شده توسط مارشال سال ۱۹۹۲ دارای ۲۱ عبارت و ۳ خرده مقیاس و ۵ طیف لیکرت ارزیابی نظرات پاسخگویان در رابطه با احقاق آنها شکل گرفته.

جامعه آماری: جامعه آماری تمامی زنان شاغل در شهرداری منطقه ۱۲ بودند که تعداد کل آنها ۷۵ نفر بود.

نمونه آماری و روش نمونه گیری: با توجه به تعداد اعضاء جامعه آماری که تنها ۸۵ نفر بودند نمونه گیری به صورت کل شماری صورت گرفت.

اعتبار یا روایی: برای سنجش اعتبار و روایی سعی شد از اعتبار محتوایی و سازه ای استفاده شود و پرسش نامه های مورد استفاده پرسشنامه های استاندارد بودند.

اعتماد و پایایی: برای اذنادزه گیری سطح اعتماد پرسش ها از آلفای کرنباخ استفاده شد و در تمامی موارد اعتماد بالای ۷۰٪ بدست آمد.

نحوه تجزیه و تحلیل داده ها:

برای تجزیه و تحلیل داده ها نرم افزار SPSS به کار برده شد. برای اطلاعات فردی از جداول توصیفی و برای فرضیه ها از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

یافته ها

الف. نتایج حاصل از یافته های توصیفی:

یافته های حاصل از پژوهش مذکور نشان می دهد که اکثریت پاسخگویان (۳۶,۸٪) بین ۳۰ تا ۳۴ سال سن دارند و تنها درصد اندکی (۲,۶٪) به میزان مساوی در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال و ۴۵ تا ۴۹ سال هستند. در رابطه با تحصیلات اکثریت زنان شاغل در شهرداری (۵۵,۳۰٪) دارای مدرک کارشناسی و تنها (۵,۳٪) را افراد فوق دیپلم تشکیل می دهند در این میان (۳۹٪) نیز کارشناسی ارشد بودند. در میان پاسخگویان ۷۳,۷٪ متاهل و ۲۶,۳٪ مجرد بودند که در بین متاهلین ۱۸,۴٪ تک فرزند و ۵,۳٪ به میزان مساوی دارای سه و چهار فرزند می باشند.

به لحاظ وضعیت منزل مسکونی بیش از نیمی از افراد (۵۷,۹٪) دارای منزل شخصی و کمتر از نیمی از افراد ۴۲٪ فاقد منزل شخصی هستند. از نظر بیمه ۹۲,۱٪ دارای بیمه هستند و تنها ۲,۶٪ فاقد بیمه هستند در این میان ۵,۳٪ نیز وضعیت بیمه خود را مشخص نکرده اند.

با توجه به اهمیت شرایط اقتصادی، نتایج حاصل از پرسش در رابطه با درآمد یافته ها نشان از آن داشتند که بیشترین درصد به افرادی اختصاص یافته است که درآمدشان ۳۱,۶٪ می باشد که بین ۱۵۰۱۰۰۰ تومان تا ۲۰۰۰۰۰۰ تومان است و کمترین درآمد (۲,۶٪) بین ۳۵۰۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰۰ تومان است و ۳۶,۸٪ نیز پاسخی به این پرسش ندادند.

ب. نتایج حاصل از یافته های استنباطی و تجزیه و تحلیل فرضیه ها:

جدول شماره ۱: فرضیه نخست؛ رابطه بین حقوق شهروندی و رضایت از زندگی

نتایج حاصل از یافته های استنباطی و تجزیه و تحلیل فرضیه اصلی - جدول شماره ۱- نشان می دهد که رابطه بین دو متغیر رضایت از زندگی و حقوق شهروندی در سطح ۹۵٪ با $\text{sig} < 0,01$ تأیید گردید.

جدول شماره ۲: فرضیه دوم؛ رابطه بین حقوق سیاسی و رضایت از زندگی

		رضایت از زندگی	حقوق شهروندی
رضایت از زندگی	Pearson Correlation	۱	-.۴۶۳**
	Sig. (۲-tailed)		.۰۰۷
	N	۳۸	۳۳
حقوق شهروندی	Pearson Correlation	-.۴۶۳**	۱
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۷	
	N	۳۳	۳۳

** . Correlation is significant at the 0,01 level (۲-tailed).

همچنین نتایج حاصل از فرضیه دوم- جدول شماره ۲- نشان از آن دارد که بین رضایت از زندگی و حقوق سیاسی رابطه معنی دار وجود دارد و این رابطه در سطح ۹۵٪ با $\text{sig} < 0,01$ تأیید گردید.

جدول شماره ۳: فرضیه سوم؛ رابطه بین حقوق مدنی و رضایت از زندگی

		رضایت از زندگی	حقوق سیاسی
رضایت از زندگی	Pearson Correlation	۱	-.۴۲۲**
	Sig. (۲-tailed)		.۰۰۹
	N	۳۸	۳۷
حقوق سیاسی	Pearson Correlation	-.۴۲۲**	۱
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۹	
	N	۳۷	۳۷

** . Correlation is significant at the .,۰۱ level (۲-tailed).

نتایج حاصل از فرضیه سوم- جدول شماره ۳- نشان از آن دارد که بین رضایت از زندگی و حقوق مدنی رابطه معنی دار وجود دارد و این رابطه در سطح ۹۵٪ با $\text{sig} < ۰,۰۱$ تایید گردید.

جدول شماره ۴: فرضیه چهارم؛ رابطه بین حقوق اجتماعی و رضایت از زندگی

		رضایت از زندگی	حقوق مدنی
رضایت از زندگی	Pearson Correlation	۱	-.۴۸۹**
	Sig. (۲-tailed)		.۰۰۲
	N	۳۸	۳۷
حقوق مدنی	Pearson Correlation	-.۴۸۹**	۱
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۲	
	N	۳۷	۳۷

** . Correlation is significant at the .,۰۱ level (۲-tailed).

همچنین نتایج حاصل از فرضیه چهارم- جدول شماره ۴- نشان از آن دارد که بین رضایت از زندگی و حقوق اجتماعی رابطه معنی دار وجود ندارد و این فرضیه با $\text{sig} > ۰,۰۱$ رد می گردد.

	رضایت از زندگی	حقوق اجتماعی
رضایت از زندگی	Pearson Correlation	-۰.۲۶۸
	Sig. (۲-tailed)	.۱۲۶
	N	۳۸
حقوق اجتماعی	Pearson Correlation	-۰.۲۶۸
	Sig. (۲-tailed)	.۱۲۶
	N	۳۴

بحث و نتیجه گیری

پژوهش مورد نظر که با هدف شناسایی رابطه بین حقوق شهروندی و رضایت از زندگی انجام پذیرفته بود سعی بر آن داشت تا دریابد که آیا میان ابعاد حقوق شهروندی اعم از حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی با رضایت از زندگی رابطه معنی دار وجود دارد یا خیر؟ یافته ها نشان دادند که در دو بعد مدنی و سیاسی این رابطه معنی دار است لیکن در بعد اجتماعی معنی دار نیست.

نتایج مذکور با نظریات اندیشمندانی همچون توکویل که معتقد است فضیلت مدنی ارجحیت دارد و غیر از حمایت قانون از شهروندی، جنبه دیگر شهروندی در فضای عمومی قرار دارد که حاکی از عضویت داوطلبانه فرد در گروههای خصوصی و غیر انتفاعی جامعه مدنی است؛ همسو است. چون یافته ها نشان داد این بخش از حقوق شهروندی - حقوق مدنی با رضایت از زندگی رابطه نزدیکی دارد.

همچنین در بخشی دیگر که داندورف موضوع شهروندی در جامعه مدرن را مطرح می کند بعد اجتماعی اهمیت ویژه ای پیدا می کند به طوریکه از نظر این جامعه شناس شهروندی با محرومیت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است چون در حیات اجتماعی و واحدهای اجتماعی

موقعیت‌ها و نقش‌هایی وجود دارد که با مجموعه ارزش‌ها و هنجارها حقوق و تکالیف و ضمانت اجرایی آن‌ها مشخص می‌شود و در این جریان، سلسله مراتبی که از صاحبان و تابعان اقتدار در ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد زمینه ساز تنش و تعارض و نابرابری است. تا آنجا که دارندورف شهروندی را پویاترین ایده اجتماعی تاریخ مدرن می‌داند. در پژوهش حاضر یافته‌ها نشان دادند که بین بعد اجتماعی حقوق شهروندی و رضایت از زندگی رابطه وجود ندارد این امر شاید نشأت گرفته از نارضایتی اجتماعی شهروندان باشد چنانکه دارندورف هم به اهمیت این موضوع پرداخته است.

در رابطه با بعد سیاسی حقوق شهروندی از اندیشه‌های ژان ژاک روسو الهام گرفته شد؛ وی، شهروند را فردی مستقل و آزاد می‌داند که شایستگی مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها را که همه باید تابع آن باشند، دارد. بنابراین، حکومت باید بر مبنای رای مردم قانونگذاری کند و نمایندگان بر اساس خواست مردم عمل کنند، این‌ها برای تضمین آزادی ضروری است. در مقابل، مردم هم باید از قانون اطاعت کرده و در امور مختلف مشارک کنند. توجه به مشارکت سیاسی و حضور در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند در گستره دامنه رضایت از زندگی نقش بسزایی داشته باشد چنانکه یافته‌ها نیز این امر را تایید نمودند.

بنابراین محقق در انتها پیشنهاد پژوهشی خود را بر این مهم متمرکز می‌نماید که توجه به آموزش حقوق شهروندی و اجرای مفاد آن می‌تواند نقش بسزایی در زندگی شهروندان داشته باشد و به آنان احساس تعلق دهد طوری که افراد خود را نه فقط ساکنینی بی اختیار در عرصه‌های عمومی، بلکه شهروندانی مسئول در جامعه بدانند. این امر محقق نخواهد شد مگر با سرمایه‌گذاری اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی و اجرا دقیق مسئولین و کارگزاران این امر.

منابع

- اسکافی، مریم (۱۳۸۶)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۰، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۰) انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲، صص ۱۰۶-۱۱۱.
- ترکمان، فرح و بهمن پور، سکینه (۱۳۸۹)، "نقش شهروندی بر اساس کتابهای علوم اجتماعی دوره دبیرستان". فصلنامه علوم رفتاری، شماره ۳، صص ۲۹-۹.

- روسو، ژان ژاک (۱۳۸۴) قرارداد اجتماعی (متن و در زمینه متن)، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، آگاه.
- شیانی، ملیحه و دادوندی، طاهره (۱۳۸۹)، "تحلیلی بر میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی" راهبرد یاس، شماره ۱۸، صص ۱۰۳-۲۹.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱ الف)، "تحلیلی جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان" مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۸۰-۶۰.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- کوشا، محمد مهدی (۱۳۸۷)، دانستنیهای سیاست شهروندی، تهران: انتشارات دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- لرستانی، فریبرز (۱۳۸۲) جنبش اجتماعی زنان ایران، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶، صص ۴۲-۲۳.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبنای فقهی و موازین بین المللی، تهران اطلاعات.
- نظری، علی اشرف، (۱۳۸۸)، بازخوانی مفاهیم و نظریه های شهروندی، فهم روندها و چشم اندازها، فصل نامه رهیافتهای سیاسی و بین المللی شماره ۲۰، صص ۱۱-۴۰.
- هزار جریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰)، "آگاهی زنان بر حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن" مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره نهم، صص ۴۴-۲۵.
- یوسفی، علی و عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۷)، "احساس شهروندی در مراکز استان های ایران: مجله جامعه شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۴ و ۳، صص ۲۳-۳.